



مؤسسه انتشارات نگاه



احمد شاملو

آیدا در آینه

WWW.30BOOK.COM

فهرست

۷	.....	آغاز
۱۰	.....	شبانه
۱۳	.....	من و تو، درخت و بارون.....
۱۶	.....	من و تو.....
۱۹	.....	از مرگ.....
۲۱	.....	خفته‌گان
۲۵	.....	تکرار
۲۹	.....	سرود آن کس که از کوچه به خانه باز می‌گردد
۳۴	.....	چهار سرود برای آیدا
۴۲	.....	سرود پتجم
۶۹	.....	آیدا در آینه
۷۵	.....	میعاد
۷۸	.....	جاده‌ی آن سوی پُل

www.30Book.com

آغاز

بی گاهان

به غربت

به زمانی که خود در نرسیده بودی —

چنین زاده شدم در بیشه‌ی جانوران و سنگها،

و قلبم

در خلأ

تپیدن آغاز کرد.

□

گهواره‌ی تکرار را ترک گفتم  
در سرزمینی بی‌پرنده و بی‌بهار.

نخستین سفرم باز آمدن بود از چشم‌اندازهای امیدفرسای ماسه و  
خار،

بی آن‌که با نخستین قدم‌های نا آزموده‌ی نوپایی، خویش  
به راهی دور رفته باشم.

نخستین سفرم  
باز آمدن بود.

□

دوردست

امیدی نمی‌آموخت،

لرزان

بر پاهای نورا

رو در افق سوزان ایستادم.

دریافتم که بشارتی نیست  
چرا که سرابی در میانه بود.

□

دوردست امید می نمی آموخت.

دانستم که بشارتی نیست:

این بی کرانه

زندانی چندان عظیم بود

که روح

از شرم ناتوانی

در اشک

پنهان می شد.

فروردین ۱۳۴۱

احمد شاملو

شبانہ

میان خورشیدهای همیشه

زیبایی تو

لنگری ست -

خورشیدی که

از سپیده دم همه ی ستارگان

بی بیارم می کند.

نگاهت

شکست ستمگری ست -

نگاهی که عریانی روح مرا

از مهر

جامه‌پی کرد

بدان سان که کنونم

شب بی‌روزن هرگز

چنان نماید که کنایتی طنزآلود بوده است.

و چشمانت با من گفتند

که فردا

روز دیگری است

آنک چشمانی که خمیرمایه‌ی مهر است!

وینک مهر تو:

نبرد افزاری

تا با تقدیر خویش پنجه در پنجه کنم.

□

آفتاب را در فراسوهای افق پنداشته بودم.  
به جز عزیمت نا به هنگامم گزیری نبود  
چنین انگاشته بودم.

آیدا فسخ عزیمت جاودانه بود.

□

میان آفتاب‌های همیشه

زیبایی تو

لنگری ست

نگاهت

شکست ستمگری ست

و چشمانت با من گفتند

که فردا

روز دیگری ست.

شهریور ۱۳۴۱





مرا می باید که در این خم راه  
 در انتظاری تاب سوز  
 سایه گاهی به چوب و سنگ برآرم،  
 چرا که سرانجام  
 امید  
 از سفری به دیر انجامیده باز می آید.  
 به زمانی اما  
 ای دریغ!  
 که مرا  
 بامی بر سر نیست  
 نه گلیمی به زیر پای  
 از تاب خورشید  
 تفتیدن را  
 سبویی نیست  
 تا آب اش دهم،  
 و برآسودن از خسته گی  
 بالینی نه  
 که بنشانم اش.



مؤسسه انتشارات نگاه

ISBN 978-964-6736-97-9



9 789646 736979 >



www.negahpub.com



negahpub

تولید: ۹۰۰۰